

سیر و سلوک پندگان خدای رحیم در ماه ضیافت الهی که شب‌ها روزها و تک تک ساعت‌ها بهترین اوقات بی مانند در طول سال محسوب می شود؛ میمهانان پروردرگار **را به «عید سعید فطر»** که موسم پذیرش اعمال صالح و فصل اهدای جوایز به آنان است، می رسانند.

ارزشمندترین نعمت بی بدیل الهی که به یمن ماه مبارک رمضان و عید سعید آن به پندگان اعطاء می شود آزادی از تمام قیود و رهیذن از تمامی غفلت هاست.

استاد علامه حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) در مطلب پیش رو به تحلیل نعمت ارزشمند آزادی در عید سعید فطر می پردازند که به برکت قرار گرفتن در آستانه این روز مبارک تقدیم خوانندگان گرامی می شود. »»»

« **آزادی**»، **جائزه خدای سبحان** به پندگان در **عید سعید فطر** … نماز عید فطر در حقیقت دریافت جائزه ۱ ماهه است. فضیلت عید فطر، شب عید فطر، روز عید فطر کمتر از فضیلت قدر نیست. اینکه می گویید من در روز عید به این کفر کم حاصل رنج ۳۰ روزه را بدهم و ساغر بگیرم، همین است. روزه عید است و من مانده در این تددیرم

که کدم حاصل سی روزه و ساغر بگیرم من آن سافری که خدای سبحان به پندگانش صالحش می دهد، اما آزادی است. توضیح مطلب این است که وجود مبارک رسول گرامی (ص) در آخرین جمعه ماه شعبان یا روز دیگری از روزهای پایانی ماه شعبان عظمت و جلال و شکوه ماه مبارک رمضان را ذکر کرده فرمود: ماه مبارک رمضان فوائد فراوانی دارد که از برجسته‌ترین آنها آزادی شمامت انسان و سلب یک گناهی انجم می دهد؛ چه حق خدا چه حق مردم را ضایع کرده باشد، بدهکار است. اگر کسی ظلمی کرده به حکم خدا، یا به خلق خدا، بدهکار است. این اصل اوّل. اصل دوّم آن است که بدهکار باید دینش را ادا کند؛ و بدهکار است و دیگر است و دین را ادا نکرده، باید کرم بخند. اگر کسی من خودام نبود که پیغمبر، نمی توانم؛ هر چه ما می خواهم در منزل عصبانی نشوم، نمی شود؛ یا هر چه ما می خواهیم جلوی چشمم را نگذارم، نامحرم را نگاه نکنم نمی شود؛ این پیچراه درست می گوید، چون او را گرفتند؛ وقتی او را گرفتند، می گویند هر چه ما گفتیم تو باید انجام بدهی. اصل سّموم این است که انسان بدهکار را گرو می گیرند، نه مالش را؛ اینکه می ببیند بعضی ها در منزل عصبانی اند، می گویند هر چه ما می خواهیم جلوی زبانتان را بگیریم، نمی توانیم؛ راست می گویند، اما این را گرو گرفتند؛ وقتی گرو گرفتند، می گویند هر چه ما گفتیم تو باید بگویی؛ این اصل سّموم باعث بردگی ماست. این تحلیل را وجود مبارک حضرت در پایان ماه شعبان به همه ما هشدار داده فرمود: دردمد، شما نه مصومید و نه عادل، چون گناه دارید، یا حق الهی دارید، یا حق اللّٰهی دارید، به بدهکاریید. خود شما را نشان بدهید، اگر می گوید: اَنفُسَكُمْ مُرَوِّطَةٌ بِذُنُوبِكُمْ ^(۱) «چون ذنب و گناه دارید، خود شما را گرو گرفتند، آزاد نیستید». بباید ماه مبارک رمضان خودتان را آزاد کنید؛این راه هدایت رسول خدا (ص) در پایان ماه شعبان.

» **انسان همین که چشم بست و مرد، تمام دردها شروع می شود.اگر (معاد الله) مرگ پوسیدن بود و بعد از مرگ خبری نبود؛ یک زندگی حیوانی بود. اما مرگ از پوست به در آمدن است، مائیم و ابدیت ما! اگر آزاد می شویم و از پوست به در می آئیم، برای آنجا چه کرده ایم؟**

سوخ و سوز انسان گنهکار در آتش اعمال خویش

وقتی وارد این ماه شدیم، پشت ستر هم می بینید در دعای شب، در دعای روز، در دعای سحر می خواهید: اَنْ تَفْکَأَنْ تَفْکَأْ، اَنْ تَفْکَأَ خدایا من از آزاد کن. اَنْ تَفْکَأَ رُقْیَّتِیْ ^(۲)، من در آتش دارم می سوزم. خود انسان خیال می کند این جنگل جنگل دارد، جنگل جهنم هیزمی دارد که هیزم را از جنگل می آورند آنجا حالا اسرار جهنم چیست که این شأ الله ما بنیپیم و ندانیم، ولی آنچه را که مریع قرآن است و روشن است و ما می دانیم، فرمود: ما از جای دیگر جهنم هیزم نمی آوریم؛ اِنَّمَا الْقَابِلُوتُونَ كَقَابِلَاتِهِمْ خُطْبًا ^(۳)، خود انسان ظلم، گرم می گیرد؛ ما این جهنم هیزم نمی آوریم؛ این را می فهمیم. اما اسرار دیگر، هزارها چیزی است که درباره بهشت و جهنم است که عقل ما به آن نمی رسد، ما می گوییم، اَمَّا وَشَقَّاقًا چه می دانیم چه خبر است آنجا؟ در پایان سوره مبارک که فدر که جهنّم را می آوردند این جهنم کی هست؟ «چی؟ یومئذٍ یَجْهَنَّمُ»، جهنّم را دارند می آورند؛ این جهنم

آثار مادی و معنوی گناه در دنیا

گناه در فرهنگ قرآن، به معنای هر معصیتی است که انسان در برابر خداوند انجام می‌دهد و شامل جنایت، خطا، ذنب و مانند آن می‌شود. پژوهکاری انسان، آثار و پیامدهای بسیاری در پی دارد که شامل آثار دنیوی و اخروی و نیز مادی و معنوی می‌شود.

زندگی انسان در دنیا متأثر از سنگت‌هایی است که خود یا دیگران بر تکب می‌شوند. بسیاری از مشکلات آدمی در زندگی، در ریشه در گناهان نامعنی خود دارد؛ زیرا گناه تأثیرات شگرفی در جلب ضرر به سوی انسان دارد و نه تنها وضعیت اقتصادی او را تنگ و سخت می‌کند، بلکه قدرت فهم و شعورش را نیز کاهش می‌دهد و گاه در بیهوشی فهم و شناختن را به طور کامل گره کرده و ایبازاری شناختن و معرفی را از کار می‌اندازد.

یونسنده در مطلب پیش رو بر آن است تا آثار و پیامدهای گناه را در زندگی دنیا تبیین کند و نشان دهد که انسان پیش از اینکه دیگران را در ایجاد شرایط نامناسب و بد زندگی سرزنش کند، می‌بایست باید خودش را سرزنش و نکوشش نماید. »»»

گناه در فرهنگ‌های فارسی به معنای جنایت، معصیت، ذنب و خطا تعریف شده است. (لغت‌نامه، دهخدا، ج ۱، ص ۱۷۰۰۶) گناهکار کسی است که مرتکب گناهی شده باشد. به چنین شخصی در زبان فارسی، بزهکار، بزهگر، مجرم و خاطی نیز گفته می‌شود. (فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۳۹۶)

در زبان عربی برای بیان این معنا واژگان چندی به کار می‌رود که البته هر یک از این واژگان افزون بر کلیت این معنا، دارای بار معنایی خاصی نیز می‌باشد و با توجه به شرایط و چگونگی و کیفیت گناه، هر یک از این واژگان به کار می‌رود. از این رو در آموزه‌های قرآنی، با توجه به تبیین و تحلیل این نکات و ویژگی‌ها و شرایط است که از واژه‌های گوناگونی استفاده شده است. از جمله این واژگان پرکار آمد در فرهنگ قرآنی می‌توان به حوب، ذنب، جرم، اثم، سینه، عصیان، طغیان، وزر، خطا، فاحشه، حنث، فجور، منکر و مانند آن اشاره کرد. واژه و ناه در فرهنگ کنونی فارسی ناطق به رفتارهای خلاف شریعت و دین است. اما هر گاه رفتارهای ناپهنجار در حوزه رفتار اجتماعی مراد باشد، پیشتر واژه بزه به کار می‌رود و مشخص به عنوان بزهکار معرفی می‌شود تا گناهکار. به سخن دیگر، در فرهنگ فارسی، هنگامی که از گناه سخن به میان می‌آید، مراد به نافرمانی در برابر دستورهایی است که در شریعت وارد شده باشد.

با این همه اگر بخواهیم تعریفی جامع و مانع ارائه دهیم باید در تعریف گناه گفت که گناه، هر کاری است که بر پایه آیین‌ها و قوانین دینی یا عقلی یا عرفی، زشت و ناپسند قلمداد شود. اما آنچه در این نوشتار مراد است، تنها همان گناهانی است که بر فرمان‌های وحیانی شریعت است؛ چرا که فرمان‌ها و احکام عقلانی، از سوی شریعت تأیید و در حکم قوانین شرعی قلمداد می‌شود و اما تنها برخی از قوانین عرفی و عقلایی به عنوان حکم شرعی دانسته شده است.

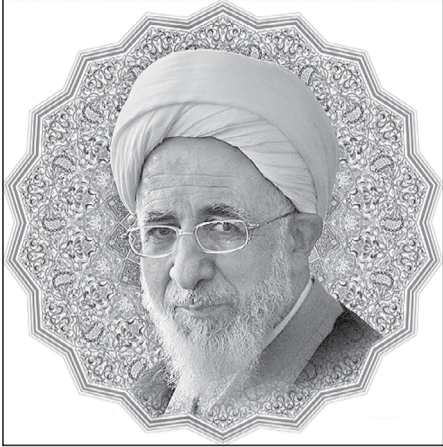
به هر حال، گناه در این مطلب، همان سرپیچی از فرامین و تکالیف الهی است که به دست پیامبران خداوند به انسان در قالب شریعت ابلاغ می‌شود.

آنچه بیان شد، مربوط به چیستی گناه بود. اما درباره چرایی ارتکاب گناه از سوی انسان باید به این نکته توجه داشت که انسان‌ها همانند حیوان، چنین آفریده‌هایی نیستند که از آده برخوردارند؛ به همین جهت، اراده است که آنان را دارای اختیار و انتخاب می‌کند. از این رو، انسان می‌تواند

هوای خودش و واکنش نسبت به فرمان‌های عقلانی و وحیانی داشته باشد.

عید فطر؛ روز آزادی وجایزه

*** آیت الله جوادی آملی**



«وجود مبارک حضرت امیر(ع) در بخششی از نهج البلاغه فرمود: رشوه سمّ است. یک وقت است فقیه می گوید: رشوه حرام است. یک وقتی آن کسی که متخلف به اخلاق الهی است و درون اشیاہ را می بیند مثل خود حضرت امیر، فرمود: رشوه سمّ است، سمّ نخورید!»

و کوشش کردیم که چشمان، گوشمان و زبانمان را مواظب باشیم، غفلانمان را مواظب باشیم؛ این آزادی را حفظ کنیم. اگر این شأّ الهی را آزادی را حفظ کردیم، عید ما می‌شود «**عید فطر**». اما اگر خدای تبارک و تعالی در گنشمین به همین حالت قلبی، همان جهنمی است که ما به همراه خودمان داریم. خیلی‌ها در سوخت و سوزند، ولی خرم به سرگرمند احساس نمی‌کنند؛ می‌بینند در اثر جوانی یا در اثر ثروت یا در اثر مقام انسانی فی سکرتمینّ یعمَهون ^(۱)، مستانه زندگی می‌کند.

اگر در جشن هائی که انسان برای سرپش دارد، می‌بیند که صبح تا غروب به استقبال مهمان‌ها و پذیرائی می‌رود، غروب که مهمان‌ها رفتند، این می‌بیند پایش می‌سوزد؛ نگاه می‌کند، می‌بیند میخی که در کفشش بود، جراب را پاره کرده، یا پاره پاره کرده، چون کفش را گرفته او احساس نکرده است؛ این خون تازه نیامده، این خون از همان زمان قبل بود، منتها شما چون مستانه پذیرائی می‌کردی، مواظب آن دردت نبودی! انسان همین که چشم بست و مرد، تمام دردها شروع می‌شود. این ماه مبارک رمضان، این عید فطر برای همین است. اگر (معاد الله) مرگ پوسیدن بود و بعد از مرگ خبری نبود؛ یک زندگی حیوانی بود. اما مرگ از پوست به در آمدن است، مائیم و ابدیت ما! اگر آزاد می‌شویم و از پوست به در می‌آئیم، برای آنجا چه کرده ایم؟

« ماه رمضان « آغاز سال اهل سیر و سلوک؛ و «عید فطر «

موسم جائزه گرفتار

بنابراین عید فطر، شب عید فطر، روز عید فطر؛ روزی است که جائزه‌ها را می‌دهند. ماه مبارک رمضان، ماه راه است، نه ماه جائزه‌ان آن بزرگوری که گفت: ماه شعبان مبدّه از دست قذح کین خویشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

برای همین است. ماه شعبان پایان سال است؛ آنهایی که سال مالی دارند، اگر کشاورزند، یک سال دارند؛ اگر غیر کشاورزندسال مالی دارند؛اول سالشان مشخص است؛ درآمدشان، هزینه شان مشخص است. اما آنهایی که در سیر و سلوک کار می‌کنند، سال مالی شان، سال اخلاقی شان، سال اعتقادی شان اوّل ماه مبارک رمضان است یعنی اوّل ماه مبارک رمضان. سال مالی بعد از آن، اخلاقی شان است.مسأله اقتصاد و تجارت و درس و بحث که نیست، مسأله طهارت روح است. مسأله طهارت روح سال می‌خواهد؛ اوّل سال اوّل ماه رمضان است. اینها چون سالشان اوّل ماه رمضان است، وقتی پایان سال رسید، یعنی ماه شعبان رسید تمام آن ماه رمضان است که استغفار کنند؛ جزاوه بگیرند؛ می‌گویند: این ماه شعبان را درباره‌ایا اگر ماه شعبان را در نیاقتی، ماه رمضان رسید، خبری نیست؛ماه مبارک رمضان فقط ماه راه است، شب عید رمضان جزاوه را می‌دهند. اگر ماه مبارک رمضان آمد؛ ماه مبارک کرم فقط ماه امتحان است و کار است، جزاوه‌ها را شب عید فطر می‌دهند.

بنابراین همه ما حساب بکنیم؛ در این ۹ قابتوی تا ۵ تا در رکعت اوّل، تا ۴ در رکعت دوم، بدهم. خود را به عنوان اهل الکبریاہ و العظّمه و اهل الجود و الجبوت ^(۲) خوانند؛ یعنی تو که اهل جودی، تو که اهل جبروتی، تمام نفس‌ها را جبران می‌کنی؛ نفس ما از جبران بکن، ما به بیخشد. خدا جبار است، یعنی تمام نفس‌ها را از جبران

معارف

Maaref@Kayhannews.ir

می‌کند، جیسره را چرا جبره می‌گویند، برای اینکه جلوی زخم را می‌بندد. در ادهم ما هم هست که با عاجز العظم الکسیر ^(۳)، اگر استخوان دست شکست طیبیب آن راجعالله نمی‌کند، می‌بندد که تکان نخورده؛ آن که لجم کار می‌کند، دیگری است؛ این استخوان تکه تکه شده تصادفی‌ها را که جبره می‌کند؛کی جوشکاری می‌کند؛ فرمود: خدائی که این استخوان‌های شکسته را جوشکاری می‌کنی، جبران می‌کنی، جیسره می‌کنی؛ این دل شکسته ما را هم جیسره کن، و گرنه شکسته بند که فقط می‌بندد، چه کار دارد. به کجا جوش زده، یا چه جوش زده، کی جوش زده، کی دو تا استخوان را یکی کرده، دیگری است!

لطف بی نظیر خدای سبحان به پندگان

در دعای وداع ماه رمضان وجود مبارک حضرت سجاد(ع) عرض کرد: خدایا! تو یک کاری دادی که احدی در عالم نمی‌کند و آن این است که همه چیز را دای، یک-مردم را هم به داد و ستد و خرید و فروش دعوت کردی، دو خودت شدی مشتری، سه-آگهی مزایده هم می‌زنی، چهار- اما آگهی مزایده را فروشنده می‌زند، نه مشتری! راه فروشنده‌ای، هر کسی که کالایی را خواهد فروشد، آگهی مزایده می‌زند؛ این گوید این زمین را، این خانه را، این ائومبیل را هر که بیشتر می‌خرد، من به او می‌فروشم. ولی مشتری آگهی مناقصه می‌زند؛ می‌گوید: شما کتادی من، از شما می‌خرم؛ دیگری کمتر داد، من از او می‌خرم. همیشه آگهی مزایده از طرف فروشنده است؛ آگهی مناقصه از طرف خریدار است. اینها که برای پیمانکاری آگهی مناقصه می‌زنند به پیمانکارهای می‌گویند. هر که کمتر می‌گیرد، ما کار را به او می‌دهیم؛ این بیان نورانی اعجاز و بزرگی وجود مبارک امام سجاد در دعای وداع ماه مبارک

«وجود مبارک حضرت امیر(ع) در بخشی از نهج البلاغه فرمود: رشوه سمّ است. یک وقت است فقیه می گوید: رشوه حرام است. یک وقتی آن کسی که متخلف به اخلاق الهی است و درون اشیاہ را می بیند مثل خود حضرت امیر، فرمود: رشوه سمّ است، سمّ نخورید!»

رهمان این است که خدایا! تو کاری کردی، هیچ کس نمی‌کند، تو مشتری هستی، از ما مهم می‌خواهی خبری، ولی آگهی مزایده را تو نوزدی، به خدا عرض کرد که شما ملامت کردی آقایان که می‌خواهید وقتتان را بفروشید، می‌خواهید جانان را بفروشید، مفاعلتان را بفروشید، حیثیتتان را بفروشید؛ من از همه بیشتر می‌خرم، به حرف می‌خواهی بفروشی؟ این عمرت را، این جوانی را به کی می‌خواهی بفروشی؟ به حرف ماواراه بفروشی، موی سرت را عوض کنی، جوانی را به کوی و برزن بگنارنی، تلف کنی و بعد پایداری بشود هیچ؛ این جوانی را به کی می‌خواهی بفروشی، من بیشتر می‌خرم. به علماء می‌گوید: شما این ۴ تا کلمه‌ای که سواد پیدا کردی؛ ما این را به شما یاد دادیم. این را می‌خواهی به القاب و به زید و عمرو بفروشی، من بیشتر می‌خرم؛-به تاجر یک جور می‌گوید، به صاحب مقام یک جور می‌گوید، به زن یک جور می‌گوید، به مرد یک جور می‌گوید، می‌گوید: این مایه‌ای که داری، به هر که می‌خواهی بفروشی من بیشتر می‌خرم.

این بیان نورانی امام مجاد است در دعای وداع ماه مبارک رمضان: **وَأَنْتَ الَّذِي رَدَدْتَنِي فِي السُّمُومِ (۱)** «شوم» یعنی یاد و ستد اینک می‌گویند مداخله کردن در شوم برادر مؤمن مکروه است. همین است. کسی که در معامله می‌کند، برخی‌ها می‌تحریم کردند، ولی معرفی بین فقها، (ره) کراهت است که آدم وارد بشود در معامله مردم. عرض کرد: خدایا! تو وارد معامله شدی و در همه معامله‌ها هم آگهی مزایده می‌زنی، می‌گویی: من بیشتر می‌خرم. به همه ما می‌گوید: شما آنچه را که داری، می‌خواهی به کی بفروشی؟ می‌خواهی چه بفروشی؟ من ۱۰ برابر می‌خرم؛ من ۱۰ جا، بالاترینش، فله عَشْرًا مِائِهَا ^(۲). کین چنین مشتری ای که بگوید، شما هر قیمتی که می‌خواهی بکنی، من ۱۰ برابر می‌خرم. این کدام مشتری است؟ ماه مبارک رمضان یک چنین ماهی است که انسان را خرد مدار و من عجل می‌کند، روز عید فطر یک چنین جایی است، شب عید فطر یک چنین جایی است؛ همه ما موقظیم از اینجا که فرار شدیم، یک چند دقیقه‌ای یا خدای خود خلوت بکنیم. این طهارت را، این پاکسی را حفظ بکنیم؛ آنوقت نه بیهراه می‌روی، نه را کسی را می‌بیند؛ همیشه راحتیم، چون آزادیم و چه نعمتی بهتر از آزادی است؟ بنابراین ما بدانیم که ماه مبارک رمضان اهل آزادی است؛ مالک چنینیم، مالک گوشیم، مالک مالیم، مالک زبانیم، زن و بچه ما در منزل ما را ماتخذند، همسایه‌ها از ما راحت است، دوستان ما را راختند، نه بدی می‌گویند؛ می‌بدی می‌خواهیم. این خاصیت ماه مبارک رمضان است. **بیانات مظلّم در خطبه های نماز عید فطر؛ مؤلف: روحانی استاد احمّد أبه ۱۴۰۸/۱۰/۱۳**

- | | |
|---------------------------------------|---|
| (۱) بحار الأنوار، ۲۵۷ - باذکری اختلاف | قرآن/بقره/ ۲۵۵ |
| (۲) من في السُّمُومِ، ۱۴۱ | (۱۰) بقره/ ۲۴۵ |
| (۳) من في السُّمُومِ، ۱۴۱ | (۱۱) مَنْ فِي السُّمُومِ الْفَقِيه/ ۵۱۳ - |
| (۴) من في السُّمُومِ، ۱۴۱ | (۱۲) بقره/ ۲۳۳ |
| (۵) من في السُّمُومِ، ۱۴۱ | (۱۳) دعای جوشن کبیر |
| (۶) آل عمران/ ۱۰۱ و ۱۱ | (۱۴) الصحیحه التجلبدیه، دعای ۴۵ |
| (۷) بقره/ ۲۷ | (۱۴) انعام/ ۱۶۰ |
| (۸) مؤمن/ ۲۲ | یا اختلاف |

* اگر کسی یا جامعه‌ای در تنگن‌های اقتصادی قرار گرفت و خود را گرفتار نعمت یا سلب نعمت یافت، می‌بایست توجه به گناه خود کرده و از آن توبه نماید و با استغفار از گناه، در رحمت و روزی را به روی خود بگشاید؛ چرا که یکی از علل فقر و نداری، در گناه و کفران و ناسپاسی انسان و جامعه نهفته است.

پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد.

اما آثار معنوی طهارت و سوره فاطر، بویژه آیه ۱۱ که روح آدمی اشاره کرد که در ۴ سوره تحریم تبیین شده است. انحراف قلب، موجب می‌شود تا ابزارهای پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد.

پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد. اما آثار معنوی طهارت و سوره فاطر، بویژه آیه ۱۱ که روح آدمی اشاره کرد که در ۴ سوره تحریم تبیین شده است. انحراف قلب، موجب می‌شود تا ابزارهای پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد. اما آثار معنوی طهارت و سوره فاطر، بویژه آیه ۱۱ که روح آدمی اشاره کرد که در ۴ سوره تحریم تبیین شده است. انحراف قلب، موجب می‌شود تا ابزارهای

پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد. اما آثار معنوی طهارت و سوره فاطر، بویژه آیه ۱۱ که روح آدمی اشاره کرد که در ۴ سوره تحریم تبیین شده است. انحراف قلب، موجب می‌شود تا ابزارهای

پشناسد و گرایش به آن پیدا کند. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۱ و ۲۲ سوره فرقان آودگی به گناه را مانع حق‌پذیری انسان معرفی می‌کند و انسان است؛ چرا که اهل آنگی در تنگی معیشت قرار نمی‌گیرد، بلکه چون اهل زهد و قناعت است، به دنیا دل نبسته است و به هرچه خداوند روزی‌اش می‌کند، بسنده می‌کند؛ زیرا می‌داند خداوند او پروردگاری حکیم است که هر کاری را به قصد خیر انجام می‌دهد. اما آثار معنوی طهارت و سوره فاطر، بویژه آیه ۱۱ که روح آدمی اشاره کرد که در ۴ سوره تحریم تبیین شده است. انحراف قلب، موجب می‌شود تا ابزارهای

صفحه ۱۶
یکشنبه ۹ مرداد ۱۳۹۲
۲۶ رمضان ۱۴۳۴ - شماره ۲۵۵۸

۲۰ نکته از وصیت نامه امام علی (ع)

حضرت علی(ع) در واپسین لحظات حیات باعزت و عظمت خویش، وصیت گهربار و سراسر از نکات آموزنده داشتند که در اینجا نکاتی از وصیت‌نامه آن حضرت خطاب به فرزند بزرگوارشان امام حسن(ع) را مرور می‌کنیم تا تذکری باشد به ما که داعیه شبعه غری آن حضرت را داریم واینکه تاچه حد توانسته ایم به وصیت ایشان عمل کنیم. * * *

این آن چیزی است که علی پسر ابوطالب وصیت می‌کند: به وجدانیت و یگانگی خدا و او را اقرار می‌کنند که محمد بنده و پیغمبر خدا است، خدا و فرستاده تا دین خود را بر دیگر ادیان پیروز گرداند، همانا نماز، عبادات، حیات و زندگانی من از آن خداست، شریکی برای او نیست، من به این امر شده‌ام و از تسلیم شدگان اویم. فرزندم حسن! تو و همه فرزندان و اهل بیتم و هر کس را که این نوشته من به او رسد را به امور ذیل توصیه و سفارش می‌کنم:

۱- تقوای الهی را هرگز از یاد نبرسد، کوشش کنیبد تا آدم سربز بر دین خدا باقی بماند، ۲- همه‌ها هم با هم به ریسمان خدا جنگ بزنید و بر مبنای ایمان و خداشناسی متفق و متحد باشنید و از تفرقه بیرهیزید، پیغمبر فرمود: اصلاح میان مردم از نماز و روزه دانم، افضل است و چیزی که دین را محو می‌کند، فساد و اختلاف است، ۳- ارحام و خوشخواندان را از یاد نبرید، صله رحم کنید که صله‌رحم حساب انسان را نزد خدا آسان می‌کند. ۴- خدا را! خدا را! درباره یتیمان، مبادا گورسته و بی سرپرست شما پیشی گیرند.

۵- خدا را! خدا را! درباره همسایگان، پیغمبر اقتدر سفارش همسایگان را فرمود که ما گمان کردیم می‌خواهد آنها را ارث شریک کند.

۶- خدا را! خدا را! درباره قرآن؛ مبادا دیگران در عمل کردن، بر شما پیشی گیرند.

۷- خدا را! خدا را! درباره نماز؛ نماز پایه دین شمامت.

۸- خدا را! خدا را! درباره کعبه، خانه‌خدا، مبادا حج تعطیل شود که اگر حج متروک بماند، مهلت داده نخواهد شد و دیگران رها در طعمه خود خواهند کرد.

۹- خدا را! خدا را! درباره جهاد در راه خدا، از مال و جان خود در این راه مضایقه نکنید.

۱۰-خدا را!خدا را!درباره زکات که زکات آتش خشم‌اللهی راخاموش می‌کند.

۱۱-خدا را! خدا را! درباره ذریه پیغمبرتان، مبادا مورد ستم قرار گیرند.

۱۲- خدا را! خدا را! درباره صحابه و یاران پیغمبر، رسول خدا (صلی الله علیه و اله) درباره آنها سفارش کرده است.

۱۳- خدا را! خدا را! درباره فقرا و تهیدستان، آنها را در زندگی شریک خود سازید.

۱۴- خدا را! خدا را! درباه بردگان، که آخرین سفارش پیغمبر درباره اینها بود.

۱۵- در انجام کاری که رضای خدا در آن است بکوشید و به سخن مردم (در صورتی که مخالف آن است) ترتیب اثر ندهید.

۱۶- با مردم به خوشی و نیکی رفتار کنید، چنانکه قرآن دستور داده است.

۱۷- مرد به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ نتیجه ترک آن این است که بنان و یبازگان بر شما مسلط شوند و به شما ستم خواهند کرد.

۱۸- بر شما باد که بر روابط دوستانه ما بین خود بیفزایید، به یکدیگر نیکی کنید، از کناره‌گیری و قطع ارتباط و تفرقه و تشتت بیرهیزید.

۱۹- کارهای خیر را هر بدم یکدیگر به اتفاق همه انجام دهید؛ راه همکاری در مورد گناهان و چیزهایی که موجب کفورت و دشمنی می‌شود، بیرهیزید.

۲۰- از خدا بترسید که جزا و کیفر خدا شدید است.

خداوند همه شما را در کنف حمایت خود محفوظ بدارد و به امت پیغمبر توفیق دهد که احترام شما (اهل بیت) و احترام پیغمبر خود را پاس بدارند. همه شما را به خدا می‌سپارم. سلام و درود حق بر همه شما ...

مقاتل الطالبین، صص ۴۴ - ۴۳، ابن اثیر، ج ۳، صص ۱۹۷ - ۱۹۴، مروج الذهب، ج ۲، صص ۴۴ - ۴۰.

می‌کند. (شمس، آیات ۷ تا ۱۰) لذا بی‌آبرویی را به سدایی برمی‌تابند (اعراف، آیات ۱۹ و ۲۲ و ۲۷) و زشتی‌ها و ناپهنجاری‌ها را آشکار می‌سازند (همان) و نیز طه، آیه ۱۲) در قرآن. آثار معنوی دیگری برای گناه بیان شده است که به همین مقدار بسنده می‌شود.

اگر بخواهیم همه آثار مادی گناه را بیان کنیم باید فهرست بلندی را تهیه نماییم: از این رو تنها به بخشی از مهم‌ترین آثار مادی گناه در این‌جا اشاره می‌شود.

از مهم‌ترین، آثار مادی گناه می‌توان به آسیب‌های اقتصادی و تنگن‌های معیشتی اشاره کرد که در فتنه‌گناهگار یا جامعه گناه‌آزوده به آن دچار می‌شود. خداوند در آیاتی از جمله ۵۲ سوره هود و ۱۰ و ۱۲ سوره نوح یکی از علل و عوامل تنگن‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم را وجود گناه در جامعه برمی‌شمارد و به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مسائلی مانند قطعی و خشکسالی و بحران‌هایی چون سیل بنیان‌کن را باید در شیوع گناه در جامعه و یا زندگی اشخاص جست‌وجو کرد.

از میان رفتن برکت از زندگی و مال انسان (بقره، آیه ۲۱۷)، حرمت مال حلال (انعام، آیه ۱۴۶)، خشکسالی و قطعی (هود، آیه ۵۲ و نیز شوری، آیات ۲۸ و ۳۰ و نیز نوح، آیات ۱۳ تا ۱۳)، قطع روزی و دفع شدن از آن شخص یا جامعه (نوح، آیات ۱۷ تا ۱۷) تا جمله آثار گناهان است. به هر حال سلب نعمت و یا زوال و تبدیل آن به نعمت از آثار مادی

* خداوند در آیاتی از جمله ۵۲ سوره هود و ۱۰ تا ۱۲ سوره نوح یکی از علل و عوامل تنگن‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم را وجود گناه در جامعه برمی‌شمارد و به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مسایلی مانند قطعی و خشکسالی و بحران‌هایی چون سیل بنیان‌کن را باید در شیوع گناه در جامعه و یا زندگی اشخاص جست‌وجو کرد.

گناهان است که در آیاتی از جمله ۱۴۶ سوره انعام و نیز آیه ۹۶ سوره اعراف و ۵۲ و ۵۳ سوره انفال به آن توجه داده شده است. پس اگر کسی یا جامعه‌ای در تنگن‌های اقتصادی قرار گرفت و خود را گرفتار نعمت یا سلب نعمت یافت، می‌بایست توجه به گناه خود کرده و از آن توبه نماید و با استغفار از گناه، در رحمت و روزی را به روی خود بگشاید؛ چرا که یکی از علل فقر و نداری در گناه و کفران و ناسپاسی انسان و جامعه نهفته است. **بیانات مظلّم در خطبه های نماز عید فطر؛ مؤلف: روحانی استاد احمّد أبه ۱۴۰۸/۱۰/۱۳**

گناه، درهای رحمت را به سوی خلق می‌بندد (انعام، آیه ۱۳۷ و انبیا، آیات ۴۴ و ۷۵ و نور، آیات ۱۹ تا ۲۱ و ۳۳) درهای عذاب را به سوی ایشان می‌گشاید. (بقره، آیه ۲۰۶ -مائده، آیه ۲) و آنان (در همه زمینه‌ها با شکست یا جامعه‌ای در تنگن‌های اقتصادی قرار گرفت و خود را گرفتار نعمت یا سلب نعمت یافت، می‌بایست توجه به گناه خود کرده و از آن توبه نماید و با استغفار از گناه، در رحمت و روزی را به روی خود بگشاید؛ چرا که یکی از علل فقر و نداری در گناه و کفران و ناسپاسی انسان و جامعه نهفته است. **بیانات مظلّم در خطبه های نماز عید فطر؛ مؤلف: روحانی استاد احمّد أبه ۱۴۰۸/۱۰/۱۳**

گناه، این مردمان را چنان از فطرت خود دور می‌سازد که نفس ایشان آلوده به تباهی شده و در دام ابلیس و هواهای نفسانی می‌افتد و سقوط